

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

National Characters

شخصیت های ملی

دگرمن احمد کندهاری

۲۵ نومبر ۲۰۱۹

یادی از یک مبارز که آزاده زیست

(جگر شمس الدین)

توسط یکی از رفقای دیرینه پیغام گرفتم که "شمس الدین" درگذشت چون او در کابل زیست دارد همیشه سفارش رساندن سلام را به دوستان و رفقاء می نمودم و مشخصاً چند نفر را نام گرفته، که جواب غم انگیز درگذشت انجنیر شمس الدین را برایم پیام داد.

انجنیر شمس الدین یک نظامی وابسته به جریان چپ انقلابی بود در سالهای ۵۰ و ۵۱ به قطعۀ ما تبدیل شده بود و از همان زمان با من آشنائی و رفاقت او پیوند زده شد.

به استناد سلسله مقالات مبارز نستوه و تحلیلگر موضوعات سیاسی کشور (سید حسین موسوی) در رد هجویات صدراعظم استخدام شده رژیم پوشالی سوسیال امپریالیزم «سلطان علی کثمتند» اشاره به سرنوشت افسران پیرو چپ انقلابی نموده؛ خواستم در رابطه چند سطر از فراز و نشیب زندگی گرامی یاد شمس الدین به پاس و یاد آن مبارز گمنام پیشکش خوانندگان بنمایم.

رفیق شمس الدین از بست احتیاط وزارت دفاع وقت در قطعۀ ما تعیین بست شده بود و من جریان احتیاط بودنش را سؤال نمودم؟

گفت قصه طولانی می باشد با اسرار بنده، او از یک جریان برخورد با قادر خان رئیس ضبط احوالات وزارت دفاع توأم با درد قصه می نمود:

در یک شب بارانی جنجال ما با یک راننده تاکسی که در منطقۀ دارالامان نزدیک خانۀ قادر خان بود واقع گردید که به اثر غالمغال ما قادر خان به محل واقعه رسید و مداخله نمود چون حق با ما بود جواب قادر خان را به همان زشتی و دشنام های رکیک او واپس به رخس حواله نمودم که سیلی محکمی از طرف وی برویم زده شد و من هم محکم تر از آن بر روی قادر خان زدم، در فردای آن شب توسط رئیس ضبط احوالات محکوم به چهل روز حبس ریاضت شدم و در حبس خانۀ وزارت زندانی شدم، و نظر به نوع جزا همه روزه صحن اتاق که فرش هم نداشت آب پاشی می شد و در روز های پایانی حبس نسبت سردی هوا و رطوبت اتاق فلج شدم و به شفاخانۀ قوای مرکز بنده را انتقال دادند؛ که بعد از صحت یابی به احتیاط وزارت سوق گردیدم و از همان بست به قطعۀ شما تعیین بست شدم. علایم کجی یک چشم وی از فلج شدن آن زمان مشاهده می شد.

او یک افسر پرشور و آزاده بود باز هم در سال ۱۳۵۵ در مقابل پرخاش خشک قومندان قطعه به دفاع از موقف و حیثیت شخصی اش، با جواب های زننده و سخت تر قومندان را خرد و کوچک ساخت بناءً از بست قطعه منفک و جزائی به کابل اعزام گردید و در قرارگاه قواء حبس شد و بعد از اكمال حبس مجدداً در بست احتیاط سوق گردید .

بعد از یک مدت که با هم ندیده بودیم در سال ۱۳۵۸ در زندان پلچرخی با هم ملاقی و یکجا بودیم .

گرامی یاد شمس الدین از پرچمی های داخل زندان سخت در هراس بود و همیشه برایم اظهار می نمود که آنها در تعقیب هستند ، تا این که در برج جدی ۱۳۵۸ تحت پلان عفو عمومی با هم رها شدیم . از این که در غیاب به تقاعد اجباری محکوم شده بودیم مگر نظر به فرمان عفو عمومی و لغو حکم تقاعد افسران اردو و اعزام به وظیفه طبق تعیینات از هم جدا شدیم و عده ای از افسران بیطرف و یا هم وابسته به کدام جریان همه در بست کمیساری های مربوط وزارت و ریاست خارنوالی که جدیدالتشکیل بود تعیین بست شدند و در رأس این ارگان ها کادر های مهم پرچمی قرار داشتند . انجیر شمس الدین که مسلک انجیری استحکام را داشت خلاف مسلک در ریاست خارنوالی به حیث یک کارمند عادی مقرر شده بود و در همین ریاست با هاشم خان خارنوال وزارت که رقیب سرسخت شمس الدین بود در تقابل قرار گرفته بود ، تا این که به دفاع از دوسیه های افسرانی که بی گناه محکوم شده بودند با هاشم برخورد نمود باز هم جزائی به قوای پکتیا تبدیل گردید

گرامی یاد شمس الدین هیچ گاهی در مقابل بی عدالتی و زورگویی خشک «انضاطی» خاموش نبود و در موضع دفاع از حقوق انسانی قرار داشت .

برای بار آخر در سال ۱۳۶۴ نزدیک پارک زرنگار تصادفی باهم ملاقی شدیم طبق گفته های خودش از خوست برگشته بود تا حسابش را با خارنوال هاشم تصفیه نماید ؛ ولی هاشم خان از رو به رو شدن با شمس الدین سخت ترسیده بود و هراس داشت .

در خلال این صحبت ها کمی از سیاست و وضع رفقاء با هم صحبت نمودیم و از من مطالبه نمود که در وضعیت های دشوار چند نفر رفیق را مهماندار شده می توانید که در حد توان برایش جواب مثبت و اطمینان دادم و شادمان گردید و از هم خداحافظی نمودیم .

و بعد ها اطلاع حاصل نمودم که در زادگاهش نجراب زندگی می نماید و تعهد سپرده بود که از مام وطن فرار نکند با تحمل دشواری ها و مشکلات حیاتی و مبارزاتی در زادگاهش با رفقاء و دوستان وداع نموده، حیات پر بارش را بدرود نمود که ستاره درخشان دیگر از فضای مبارزاتی چپ انقلابی خاموش گردید .

رفیق شمس الدین تا آن زمان نظر به داشته های مشکلات زندگی و راه مبارزاتی اش ازدواج نکرده بود .

این بود شمه ای از زندگی یک فرد نظامی جریان چپ انقلابی که به ده ها تن دیگر همچنین سرنوشت مشابه داشتند .

یاد این مبارز گمنام گرامی و جاودان باد .

نگذاریم که یاد این مبارزین راستین و آزاده به فراموشی سپرده شود .

ما یادشان را گرامی و ثبت تاریخ می نمایم تا دین خود را اداء نموده باشیم .

۲۲ نومبر ۱۰۱۹

